

درد و رنج مردم بم و کشتار کارگران در استان کرمان

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

فاجعه زلزله بم و وضعیت هولناک بازماندگان این تراژدی عظیم انسانی، در میان هیاهوی مضحکه انتخابات مجلس هفتم و کشمکش جناح‌های رژیم جمهوری اسلامی بر سر تقسیم ثروت و قدرت، به فراموشی سپرده شده است. پس از گذشت چهل روز از فاجعه بم، هنوز بازماندگان این فاجعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند.

روزنامه شرق، چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۸۲ (۴ فوریه ۲۰۰۴)، به مناسبت بزرگداشت چهلین روز جان‌باختگان زلزله بم، نوشت: «شهر بم سامان ظاهری یافته، ساکنان بم چادرهای خود را در کنار خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برپا کرده‌اند. با این حال هم‌چنان با کمبودهای سیستم بهداشتی و آب سالم آشامیدنی مواجه هستند. خیابان‌های شهر بم، هم‌چنان خلوت است و اهالی در کمبود امکانات روزها را سپری می‌کنند. یکی از بازماندگان زلزله با نشان دادن وضعیت اسف‌بار چادرها و امکانات غذایی زلزله‌زدگان به خبرنگار ما گفت: ما با حداقل امکانات غذا تهیه می‌کنیم و روزگار می‌گذرانیم...». این روزنامه در ادامه گزارش خود نوشت: «کمبود لباس زیر برای زنان و لباس گرم برای کودکان و امکانات مناسب بهداشتی هم‌چنان از مشکلات جدی مردم است. یک از اهالی بم به شیوع بیماری‌های اعصاب در بین جوانان بم اشاره کرده و گفت: مدارس به ظاهر باز است اما هیچ معلمی سر کلاس درس حاضر نمی‌شود. وی افزود: فرزندان ما بدون امید به آینده تنها خیابان‌های مخروبه شهر را طی می‌کنند... یکی از اهالی با تاکید بر این که عده‌ای از کشاورزان به دلیل بی‌پولی ناچار شده‌اند نخلستان‌های خود را زیر قیمت به پولداران خارج از منطقه بفروشند، گفت: پس از گذشت چهل روز هنوز بسیاری از مشکلات اولیه ما هم‌چنان باقی است. در بم، هر یک لیتر و نیم بنزین به قیمت ۱۵۰ تومان به فروش می‌رسد. در بلوار اصلی شهر دکه‌ها رونق گرفته و برخی محصولات مثل میوه و سیب‌زمینی را تا ۳۰۰ تومان بالاتر از قیمت معمول به فروش می‌رسانند...». در حالی که مسئله بیش از دو میلیارد دلار پول نقد و ده‌ها هزار تن ابزارهای مدرن پزشکی، دارو، مواد غذایی، پوشاک و دیگر نیازهای انسانی در میان است که از طریق کمک‌های مردم ایران و جهان، نهادهای انسان‌دوست و بین‌المللی و دولت‌ها در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. در زلزله بم ۶۰ - ۵۰ هزار انسان جان‌باختند و یا ده‌ها هزار انسان نیز از چنگال مرگ جان سالم به در

بردند، اما با مشکلات زیاد روحی و جسمی و عاطفی دست به گریبان هستند و در سوگ عزیزان از دست رفته خود روزهای سختی را می‌گذرانند، سردمداران و عوامل جمهوری اسلامی آن را مانند جنگ ایران و عراق نعمت الهی قلمداد کردند تا از یک سو روابط خود را با دولت‌ها و به ویژه آمریکا بهبود بخشند و از سوی دیگر بدون کم‌ترین احساس انسانی جیب‌های خود را با کمک‌های نقدی و غیرنقدی که به بازماندگان زلزله بم شده است پر کنند. مسلماً انتظاری غیر از این نیز نباید از یک رژیم صد هزار اعدام، ضد زن، ضد کارگر، ضد شادی و رفاه و به طور کلی ضد انسان داشت.

رژیم جمهوری اسلامی، به دلیل این که اقدامات فوری برای نجات جان ده‌ها هزار انسانی که در زیر آوار مانده بودند، انجام نداد، کشته شدگان این تراژدی انسانی را چندین برابر کرد. مثلاً محمد مهدی زاهدی رییس شورای اسلامی شهر کرمان، با اشاره به نبود نیروهای متخصص و امدادگر در ساعات اولیه پس از زلزله در منطقه گفت: «ماشین آلات مورد نیاز برای نجات مجروحان هم چون لودر و بیل مکانیکی ۳۶۰ ساعت پس از وقوع زلزله وارد منطقه شد...». علاوه بر این سردمداران و مسئولان این رژیم، کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم ایران و جان و نهادهای انسان دوست و بین‌المللی و دولت‌ها را بالا کشیده‌اند و فقط کمک‌های جزئی و ناچیزی به آسیب دیدگان زلزله کرده‌اند، هر چه بیش‌تر مورد نفرت مردم ایران و به ویژه استان کرمان و شهر بم شده است.

نیروهای سرکوبگر رژیم، استان کرمان و به ویژه شهر بم را زیر کنترل شدید خود دارند تا ظاهراً امنیت منطقه را حفظ کنند؛ اما آماده‌باش و تجمع نیروهای آدم‌کش و یگان‌های ویژه در منطقه به خاطر این است که هرگونه اعتراض توده‌ای را در نطفه خفه سازند و نگذارند صدای حق‌طلبانه این مردم آسیب‌دیده و رنج‌دیده به گوش مردم ایران و جهان برسد. سردمداران رژیم، از خشم مردم استان کرمان، به دلیل عدم تدابیر امنیتی و پیشگیری لازم قبل از وقوع زلزله، بعد از آن و بالا کشیدن کمک‌های نقدی و غیرنقدی به آسیب دیدگان شهر بم، آگاه است. بی‌جهت نیست که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی مجبور شد برای بار دوم به شهر بم برود و از نزدیک مسایل امنیتی این شهر ویران‌شده را مورد بررسی قرار دهد. گفته می‌شود یگان‌های ویژه رهبری در استان کرمان مستقر شده‌اند تا اوضاع را از نزدیک زیر نظر داشته باشند. حمله وحشیانه به کارگران ذوب مس خاتون‌آباد کرمان نیز توسط این نیروها صورت گرفت. نیروهای یگان ویژه، در این حمله وحشیانه کارگران معترض و مردم شهرستان بابک را به خاک و خون کشیدند و حدود ۱۵ نفر را کشتند و ۳۰۰ نفر را نیز زخمی کردند. همچنین تعداد بی‌شماری را دستگیر و زندانی کردند. کارگران و مردم شهر بابک، در مقابل این وحشی‌گری رژیم ایستادند و ساختمان‌های دولتی و بانک‌ها را به آتش کشیدند. حمله به کارگران اخراجی ذوب مس خاتون‌آباد را می‌توان مجموعه‌ای از سناریوهای امنیتی رژیم در استان کرمان و از جمله

برای زهر چشم گرفتن از اعتراض احتمالی مردم شهر بم و حومه آن قلمداد کرد.

گزارش‌های منتشرشده حاکی از این است که حدود دو میلیارد دلار (رقمی در حدود دو تریلیون تومان) کمک‌های نقدی مردم جهان و نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها در اختیار مقامات جمهوری اسلامی قرار داده شده است. علاوه بر این بنا به اظهار فرماندار بم، کمک‌های نقدی مردم داخل کشور، به زلزله‌زدگان بم نیز ۱۲ میلیارد تومان بوده است. طبق اظهار نظر کارشناسان با این مبالغ می‌توان یک شهر صد هزار نفری را با استانداردهای بین‌المللی و مقاوم در مقابل زلزله ساخت؛ به شرط این که واقعا این پول‌ها برای ساختمان‌سازی شهر بم، نظیر ساختن منازل مردم، مدارس، بیمارستان‌ها، پارک‌ها، جاده‌ها، سینماها، مراکز تفریحی و عمومی اختصاص داده شود، اما داشتن چنین انتظاری از رژیم جمهوری اسلامی ستم‌گر، استثمارگر و دزد و چپاولگر بیهوده است. سردمداران این رژیم، برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود دست به هر جنایتی می‌زنند و حتا به «خودی»‌هایشان نیز رحم نمی‌کنند. برای مثال فرماندار بم، فقط به یک رقم از این دزدی‌ها چنین اقرار می‌کند: «... فردی با سوء استفاده از نام هلال احمر، داروهایی را تا سقف ۳۰۰ میلیون تومان از شهر خارج می‌کرد که با تلاش نیروهای انتظامی، شناسایی و پرونده وی تحویل مراجع قضایی شده است». یا بنا به نوشته خبرگزاری کار ایران، وزیر بهداشت و درمان در رابطه با ربوده شدن یک کامیون حاوی دراوها به بم، گفت: «در این خصوص مسئولین امنیتی باید پاسخ دهند، زیرا در روزهای اول بسیاری مشکلات این چنین وجود داشت؛ اما این که آیا این مسئله هم چنان ادامه دارد یا خیر را باید از مسئولین پرسید». حالا این مسئولین چه کسانی هستند و یا کدام مرجع قرار است که این مقام دزد هلال احمر را مورد بازخواست قرار دهد، هیچ‌کس خبر ندارد و کسی هم باور ندارد که دزدان رژیم تحت تعقیب جدی قرار گیرند. زیرا به قول معروف گر امر شود در رژیم جمهوری اسلامی دزد گیرند، باید خامنه‌ای، رفسنجانی، خاتمی، نمایندگان مجلس، فرماندهان سپاه، بسیج، پلیس، ارتش، انواع و اقسام سازمان‌های اطلاعاتی و تروریستی، مدیران عالی‌رتبه، امام جمعه‌ها، مسئولان بنیادهای رنگارنگ و... به طور کلی هر آن‌چه که هست گیرند؟ اما در عین حال بعید هم نیست که رژیم، یکی دو نفر از عوامل خود را قربانی کند تا دهان افکار عمومی را ببندد. واقعیت غیرقابل انکار این است که دزدی و چپاول اموال عمومی، رشوه‌گیری توسط بالاترین تا پایین‌ترین مقامات و ارگان‌های رژیم عمومیت دارد. در شرایطی که جمهوری اسلامی کارنامه سیاهی در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد؛ چگونه می‌توان باور کرد که بخش عمده دو میلیارد دلار پول نقدی که برای کمک به زلزله‌زدگان شهر بم، در اختیار مقامات این رژیم قرار گرفته است، ملاحظه نگردد؟! با وجود این همه امکانات نقدی و غیرنقدی که در اختیار ارگان‌های رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته

است، پس از گذشت چهل روز از فاجعه دل خراش زلزله بم، هنوز بازماندگان این فاجعه، علاوه بر غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان، همواره در تشویش و نگرانی از شیوع بیماری‌های مسری، نداشتن سرپناه و گرسنگی و ترس از آینده به سر می‌برند. متأسفانه خبر افزایش خودکشی بازماندگان زلزله بم، در جامعه و در روزنامه‌ها انعکاس گسترده‌ای یافته است. یک استاد دانشگاه درباره افزایش خودکشی در میان بازماندگان زلزله بم گفت: «حادثه زلزله دیدگان بم، در روزهای اولیه به علت سنگینی فاجعه دچار شوک و ناباوری بودند و در میان موج احساسات و هم‌دردی‌های مردم نمی‌توانستند عمق ماتم از دست دادن عزیزان خود را درک کنند.» دکتر بهشتی، استاد دانشکده روانشناسی علامه طباطبایی، ۱۴ بهمن ۱۳۸۲، در گفت‌وگویی با خبرنگار ایلنا افزود: «داغ دیدگان زلزله بم با گذشت زمان و فروکش کردن هم‌دردی‌ها، اکنون احساس می‌کنند که دلیلی برای زنده ماندن ندارند. بسیاری از خودکشی‌ها به علت از دست دادن عزیزان بوده است. برخی از بازماندگان پس از گذشت چند روز به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ‌کس را ندارند و در بی‌کسی و تنهایی ادامه زندگی را نمی‌خواهند.»

در چنین وضعیتی آیا نمی‌شد با اختصاص امکانات وسیع پزشکی و امکانات مکفی زیستی و با فراهم کردن زندگی بهتر، خودکشی‌ها را به حداقل تقلیل داد؟ عوامل رژیم، در مقابل چشمان ناباور بازماندگان زلزله، کمک‌های رسیده به آن‌ها را به جیب می‌زنند، در بازار آزاد می‌فروشند. اما هنوز مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، نیازهای اولیه و ضروری بازماندگان این فاجعه عظیم انسانی را تامین نکرده‌اند. مهم‌تر از همه نیروهای انتظامی رژیم، رفتار غیرانسانی و خشونت‌باری با مردم شهر بم دارند. باندهای قاچاق مواد مخدر و انسان، به ویژه کودکان و دختران بی‌سرپرست در این شهر ماتم‌زده فعال هستند. این‌ها عوامل مهمی هستند که درد و رنج بازماندگان زلزله بم را افزایش می‌دهند و زندگی را بر آن‌ها دشوارتر و غیرقابل تحمل‌تر می‌سازند.

اما مسلم است که راه دیگری نیز برای رهایی از این وضعیت دردناک وجود دارد. آن هم همبستگی انسانی و متشکل و متحد شدن است. نباید گذاشت جانیان جمهوری اسلامی، حق و حقوق انسانی، اقتصادی و سیاسی مردم شهر بم را بیش از این پایمال کنند و آن‌ها را آهسته‌آهسته در دریایی از درد و غم غرق سازند. باید این حق را از طریق مبارزه متشکل باز پس گرفت.

راه اساسی و موثر این است که مردم شهر بم، کنترل و نظارت و توزیع کمک‌های نقدی و غیرنقدی را به دست بگیرند و در نخستین اقدام به طور عادلانه و برابر نیازهای زیست و زندگی فردی و اجتماعی مردم این شهر و حومه آن را تامین نمایند. یعنی خود مردم این شهر باید ابتکار عمل را در دست گیرند و نظارت و کنترل مستقیم بر همه امور شهر داشته باشند. هیچ مقام و ارگان رژیم، نباید دست‌اندرکار امور در این شهر باشد. همه امور و ابتکار باید در دست توده‌های مردم باشد. مثلاً

می‌توان شوراهای توده‌ای را سازمان داد؛ شهروندان در مجامع عمومی آن دخالت مستقیم داشته باشند؛ تصمیم جمعی بگیرند و دست به اقدام جمعی نیز بزنند. در سازمان‌دهی درون شورا، کمیته‌های مختلف نظیر کمیته زنان، کمیته رسیدگی به وضعیت کودکان، به ویژه کودکان بی سرپرست، کمیته جوانان و دانش‌جویان، کمیته فرهنگیان، کمیته خبررسانی، کمیته پزشکی، کمیته تخصصی مهندسی و ساختمان‌سازی، کمیته توزیع عادلانه مواد غذایی و پوشاک، کمیته هنرمندان، کمیته حوادث غیرمترقبه و آموزش افراد برای چنین حوادثی و... به وجود آورد و نیازهای مالی، بهداشتی و روحی مردم را تامین کرد. با اتحاد و همبستگی می‌توان تا حدودی بر مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غلبه کرد و دردها را نیز تسکین داد. همچنین در مقابل تعرضات احتمالی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، مقاومت گسترده توده‌ای را سازمان داد؛ مطالبات خود را بر ارگان‌های رژیم تحمیل کرد و سرانجام راه را برای سرنگونی این رژیم تروریستی و ضدانسان هموار ساخت. شکی نیست که برای سازمان‌دهی شوراها، فعالین کارگری و کمونیستی در استان کرمان، در برقراری ارتباط مستقیم با فعالین این جنبش در سراسر کشور، وظیفه خطیر و سنگینی به عهده دارند. تنها با سازمان‌دهی جنبش کارگری کمونیستی و برپایی شوراها و با اتکا به علم و آگاهی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌توان آسیب‌ها و عواقب فجایع طبیعی مانند زلزله را به حداقل رساند و یا جلو حملات وحشیانه نیروهای رژیم به کارگران و توده‌های معترض، مانند حمله به کارگران ذوب مس خاتون‌آباد کرمان را گرفت. در حالی که جناح‌های رژیم برای تقسیم کرسی‌های مجلس شورای اسلامی، با یکدیگر در حال کشمکش و رقابت هستند، طبیعی است که کارگران، کمونیست‌ها، توده‌های تحت ستم، آزادی‌خواه و برابری‌طلب، از این فرصت به نفع جنبش طبقاتی خود بهره‌برداری سیاسی کنند و روز مضحکه انتخابات مجلس هفتم را به روز اعتراض و اعتصاب عمومی برای تحمیل مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود تبدیل سازند.

تنها با یک انقلاب اجتماعی و با هدف برپایی یک جامعه درخور و شایسته انسان می‌توان جامعه ایران را از این همه ستم، نابرابری، استثمار، تحقیر، توهین، سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام و فقر و فلاکت رها کرد و با گسترش علم و آگاهی اجتماعی و طبقاتی طبیعت را نیز مهار کرد؛ خدا را از آسمان به زمین کشید و همه چیز را در خدمت شکوفایی جامعه، سعادت، عدالت، رفاه، برابری و آزادی بشریت قرار داد.